

Exploring the Themes of Civil Society Empowerment in Light of Local Governance Policies

Zahra Rajaei  *

Associate Professor, Department of
Public Administration, Payame Noor
University, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Sharifi

PhD Candidate, Department of Public
Administration, Islamic Azad University,
Birjand, Iran

Mohammad Reza Saeedi

MSc Department of Public
Administration, Payame Noor
University, Tehran, Iran

Abstract Introduction

Local governance has increasingly emerged as a central pillar of contemporary decentralization processes, emphasizing the pivotal role of civil society actors including local councils, grassroots associations, and community-based organizations in institutionalizing participatory democracy and safeguarding citizenship rights. Rooted in ancient conceptual traditions and gaining significant scholarly attention since the 1990s, governance has evolved into a multidimensional framework highlighting the blurred boundaries between public and private sectors and the growing interaction among state and non-state actors. Within this paradigm, local governance provides mechanisms for redistributing authority, enhancing public accountability, and fostering active citizen engagement in policy design, oversight, and implementation. In the context of Iran, particularly in Khorasan Razavi Province, the strengthening of civil society has been closely linked to public participation, social capital, and community empowerment. Yet, understanding how local governance policies shape the empowerment of civil society remains an underexplored but critically significant area. Accordingly, this study aims to examine the thematic dimensions of civil society empowerment within the framework of local governance policies, identify context-specific opportunities and

* Corresponding Author: zahrarajaei@pnu.ac.ir

How to Cite: xxxxxxxx

challenges, and provide actionable insights for enhancing participatory, transparent, and sustainable local development.

Method

Given the exploratory nature of the research and the need to understand the lived experiences, interpretations, and contextual realities of governance practitioners, a qualitative design rooted in pragmatist philosophy was adopted. Data were collected through semi-structured interviews with 20 administrators serving in county-level offices across Khorasan Razavi Province. Participants were selected using purposive and snowball sampling to ensure representation of individuals with academic qualifications and over ten years of administrative experience relevant to local governance. Interviews continued until thematic saturation was achieved. All interviews were transcribed verbatim and analyzed using Braun and Clarke's (2006) thematic analysis framework. Initial and axial coding were conducted systematically using MAXQDA 2020. To ensure trustworthiness, four criteria credibility, dependability, confirmability, and transferability were applied through member checking, peer review, detailed audit trails, and field memoing. Intercode reliability was assessed using Cohen's Kappa, yielding a coefficient of 0.79, indicating substantial agreement according to McHugh's (2012) interpretive benchmarks.

Results

The analysis resulted in the extraction of ten main themes and forty-one subthemes that collectively illuminate the complex, multi-layered relationship between local governance and civil society empowerment. The main themes included: (1) policy and legal frameworks, (2) interactions and networking, (3) socio-cultural empowerment, (4) resource management and infrastructural development, (5) strengthening civil and local institutions, (6) education and awareness raising, (7) local management and planning, (8) participation and decision-making, (9) social justice and transparency, and (10) innovation and technology. Findings revealed that empowerment is contingent upon the presence of supportive legal structures, transparent processes, accountable institutions, participatory mechanisms, and community-centered planning. Subthemes highlighted the importance of addressing local needs, supporting vulnerable groups, fostering collaborative governance, enhancing technological infrastructure, promoting public education, integrating local knowledge, and reinforcing social cohesion. Collectively, these themes illustrate how local governance policies create enabling or constraining

conditions for meaningful civic agency, public oversight, and sustained participatory engagement.

Conclusion

The study concludes that local governance can effectively foster civil society empowerment when it adopts integrated, participatory, and context-sensitive policy approaches. Empowerment requires not only legal, financial, infrastructural, and technological enablers, but also cultural and relational capacities grounded in trust-building, transparency, and inclusion. Strengthening civil society depends on the institutionalization of participatory decision-making, expansion of public awareness, enhancement of social capital, and recognition of civil society as a core pillar of local development. The findings underscore the need for local governance systems to embrace citizen-centered strategies, support the autonomy and capability of local institutions, and create continuous, meaningful opportunities for civic engagement. In doing so, local governance can play a transformative role in promoting sustainable development, social resilience, and responsive public administration. These insights provide a conceptual and practical framework for policymakers seeking to foster empowered, cohesive, and participatory local communities.

Keywords: Local governance; Civil society empowerment; Local participation; Public policy.

واکاوی مضامین توانمندسازی جامعه مدنی در پرتو سیاست‌های حکمرانی محلی

 زهرا رجائی * 

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محمدرضا شریفی

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

محمدرضا سعیدی

کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

حکمرانی محلی در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه و مشارکت جویی اجتماعی، نقشی اساسی در نهادینه‌سازی مردم‌سالاری و تقویت ظرفیت‌های جامعه مدنی ایفا کرده است و این امر ضرورت واکاوی مضامین سیاست‌های محلی و توانمندسازی نهادهای مدنی را پررنگ ساخته است. هدف این پژوهش واکاوی مضامین توانمندسازی جامعه مدنی در پرتو سیاست‌های حکمرانی محلی در استان خراسان رضوی بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و طرح اکتشافی انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع مضمونی با ۲۰ نفر از مدیران فرمانداری‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، شوراهای محلی و فعالان اجتماعی که به صورت هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شده بودند، گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌های نیمه ساختاریافته بود که محتوای آن‌ها پس از پیاده‌سازی کامل، با روش تحلیل مضمون و کدگذاری نظام‌مند تحلیل شد. نتایج نشان داد که سیاست‌های حکمرانی محلی بر پایه مجموعه‌ای از مؤلفه‌های نهادی، فرهنگی، مدیریتی، مشارکتی و فناورانه می‌تواند زمینه‌ساز توانمندسازی جامعه مدنی باشد. یافته‌ها آشکار ساخت که ایجاد ساختارهای پاسخگو، تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه زیرساخت‌ها و فراهم‌سازی بستر مشارکت، موجب ارتقای کنشگری مدنی می‌شود. بر اساس این نتایج، تقویت حکمرانی محلی و اتخاذ رویکردی جامع، مشارکت‌محور و متناسب با اقتضائات بومی می‌تواند به توانمندسازی پایدار و اثربخش جامعه مدنی بینجامد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی محلی؛ توانمندسازی جامعه مدنی؛ مشارکت محلی؛ سیاست‌گذاری

عمومی

مقدمه

مفهوم حکمرانی محلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در فرآیند تمرکززدایی سیاسی و اداری، بر نقش آفرینی نهادهای جامعه مدنی نظیر شوراهای اسلامی شهر و روستا، انجمن‌های محلی و تشکل‌های مردمی در مسیر نهادهایسازی مردم‌سالاری محلی و تحقق حقوق شهروندی تأکید دارد. این نوع حکمرانی، نه تنها چارچوبی اثربخش برای افزایش شفافیت، پاسخگویی، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در اداره امور شهری فراهم می‌آورد، بلکه به واسطه مشارکت فعال شهروندان در طراحی، نظارت و اجرای سیاست‌ها، به اصلاح ساختار مدیریت شهری و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی منجر می‌شود (رضاییگی، ۱۴۰۲). خاستگاه مفهومی حکمرانی به دوران کهن تمدن بشر بازمی‌گردد و ریشه‌های واژگانی آن در لغات یونانی «کایبرنان»^۱ و «کایبرنتس»^۲ نهفته است که به معنای هدایت و راهبری‌اند. از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو، «حکمرانی» به کلیدواژه‌ای محوری در ادبیات علوم اجتماعی بدل شده است، به‌ویژه در حوزه‌های علوم سیاسی، نظریه دولت و جغرافیای انسانی، که در آن مرزهای میان نهادهای عمومی و خصوصی به‌طور فزاینده‌ای کمرنگ شده و تعاملات میان دولت و سایر بازیگران اجتماعی برجسته شده است (Akhmouch, Correira, 2016). در این میان، حکمرانی محلی به عنوان شاخه‌ای از مفهوم کلان حکمرانی، با تمرکز بر حوزه جغرافیایی خاص نظیر شهر، روستا یا منطقه، زمینه‌ساز توزیع متوازن قدرت، تصمیم‌گیری و منابع در سطوح مختلف حاکمیتی است. این الگو، متضمن سازوکارهایی نظیر مشارکت جامعه محلی، توانمندسازی نهادهای مردمی، و ایجاد بسترهای نهادی برای تعامل نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی در راستای حل مسائل اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان جامعه محلی است (Leal Filho et al., 2021). در چارچوب چنین حکمرانی‌ای، شهروندان نه صرفاً به عنوان دریافت‌کننده خدمات، بلکه به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال و عاملان تغییر در فرآیند اداره امور شناخته می‌شوند و ظرفیت‌های آنها در قالب کنش‌های جمعی، مدیریت تعارضات، مطالبه‌گری اجتماعی و مشارکت در سیاست‌گذاری به رسمیت شناخته می‌شود. بر همین اساس، توانمندسازی اجتماعی و ارتقای سطح دانش، مهارت، خودباوری و انسجام اجتماعی به عنوان پیش‌نیازهای تحقق حکمرانی محلی مؤثر تلقی می‌شوند (روستا و سرور، ۱۳۹۳). افزون بر این، جامعه مدنی در قالب

¹ Kybernan

² Kybernets

شبکه‌ای از نهادها، تشکلهای و کنشگران غیردولتی، نقشی کلیدی در نهادینه‌سازی مردم‌سالاری، تضمین حقوق بشر و نظارت بر عملکرد نهادهای حاکمیتی ایفا می‌کند. در عصر کنونی، با گسترش ارتباطات، افزایش آگاهی عمومی، رشد طبقه متوسط، توسعه رسانه‌ها و تقویت ساختارهای مشارکت، جامعه مدنی به نیرویی مؤثر در فرآیند سیاست‌گذاری و پیگیری مطالبات عمومی تبدیل شده است (حمیدی و همکاران، ۱۴۰۱؛ امینی و یاری، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، مردمی‌سازی به‌عنوان رویکردی در راستای جلب مشارکت واقعی و اثربخش مردم در امور عمومی، مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای افزایش آگاهی، تقویت اراده جمعی، تسهیل در دسترسی به اطلاعات، و ایجاد بسترهای تعاملی میان مردم و نهادهای اجرایی است. چنین فرآیندی، با اتکا بر سرمایه اجتماعی، به شکل‌گیری جوامعی توانمند، تاب‌آور و مبتکر در مواجهه با مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌انجامد (Kamruzzaman & White, 2018). با توجه به اهمیت روزافزون حکمرانی محلی و تأثیر آن بر بهبود کیفیت زندگی در جوامع محلی، پژوهش حاضر به تحلیل نقش سیاست‌های حکمرانی محلی در توانمندسازی جامعه مدنی در استان خراسان رضوی می‌پردازد. با وجود انجام مطالعات محدود در حوزه توانمندسازی جامعه مدنی در ایران و سایر مناطق، با توجه به جستجوهای انجام شده از پایگاه‌های معتبر علمی، پژوهش‌های متمرکز و زمینه‌مند درباره نقش سیاست‌های حکمرانی محلی در استان خراسان رضوی به‌طور خاص تاکنون انجام نشده و خلأ پژوهشی مشهود است. این استان با جمعیت گسترده، تنوع فرهنگی و اجتماعی، و ساختارهای حکمرانی محلی پیچیده، شرایطی منحصر به فرد برای تحلیل فرآیندهای توانمندسازی جامعه مدنی فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه که نهادهای مدنی و محلی فعال در استان، نقش واسط میان مردم و دولت مرکزی را ایفا می‌کنند و تجربیات اجرایی متفاوت و قابل توجهی در زمینه سیاست‌های محلی دارند. از این منظر، انجام این پژوهش نه تنها به تبیین و شناخت عمیق نقش سیاست‌های حکمرانی محلی در تقویت ظرفیت‌ها و مشارکت جامعه مدنی در خراسان رضوی کمک می‌کند، بلکه یافته‌های آن قابلیت ارائه راهکارهای عملی و سیاست‌محور برای ارتقای اثربخشی نهادهای مدنی و برنامه‌ریزی محلی را داشته و می‌تواند الگوهای قابل تعمیم به سایر مناطق کشور با ویژگی‌های مشابه ارائه نماید. این رویکرد، هم خلأ پژوهشی منطقه‌ای را پر می‌کند و هم ارزش کاربردی و سیاست‌گذاری دارد، به‌طوری که نتایج آن می‌تواند مستقیماً در طراحی و بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه

اجتماعی محلی مورد استفاده قرار گیرد. این مطالعه به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حکمرانی محلی پرداخته و تلاش دارد راهکارهایی برای بهبود مشارکت مردمی، تقویت نهادهای محلی و ارتقاء خدمات عمومی ارائه دهد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به توسعه پایدار و بهبود حکمرانی محلی کمک کند. سوال اصلی پژوهش حاضر نیز به این شرح می‌باشد که توانمندسازی جامعه مدنی در چارچوب سیاست‌های حکمرانی محلی چگونه تحقق می‌یابد؟

مبانی نظری

۱. حکمرانی محلی

حکمرانی محلی در رویکردهای معاصر نه صرفاً مجموعه‌ای از سازوکارهای اداری، بلکه فرایندی شبکه‌ای و چندسطحی است که در آن توزیع قدرت، تعامل میان بازیگران دولتی و غیردولتی، سازوکارهای مشارکتی و ظرفیت‌های نهادی، کیفیت خدمات عمومی و پاسخگویی را شکل می‌دهند؛ از این رو، تمرکز پژوهش‌ها از «دولت محلی» به «مدیریت شبکه‌ای» و روابط تعاملی ذی‌نفعان تغییر یافته است (Yi & Xinyi, 2025). در این چارچوب، مشارکت فعال شهروندان و نهادهای محلی نقش مهمی در تقویت اعتماد عمومی و ارتقای سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی مانند خدمات پایه، برنامه‌ریزی زمین و توسعه شهری دارد و شفافیت داده‌ها، نظارت اجتماعی و سازوکارهای دولت باز پیش شرط ارتقای کیفیت حکمرانی محلی شناخته می‌شوند (Zhao et al., 2025). همچنین، تمرکززدایی زمانی اثربخش است که تخصیص منابع، ظرفیت‌سازی نهادی و سازوکارهای پاسخگویی به صورت شفاف تنظیم شوند؛ در غیر این صورت، انتقال اختیار می‌تواند ناکارآمد باشد، و بر همین اساس مطالعات، ابعاد حقوقی، مالی و نهادی آن را در تبیین تفاوت عملکرد واحدهای محلی تعیین کننده دانسته‌اند (Setiawan et al., 2022). در مواجهه با بحران‌ها نیز حکمرانی محلی به عنوان خط مقدم تاب‌آوری جمعی عمل می‌کند و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حکومت‌های محلی توانمند، بر پایه شبکه‌های مشارکتی میان دولت، سازمان‌های محلی و جامعه مدنی، قادر به تقویت سازگاری، تداوم خدمات و نوآوری در شرایطی چون اپیدمی‌ها و ناپایداری اقتصادی هستند (Salvador & Sancho, 2024). افزون، دیجیتالی‌شدن فرایندهای حکمرانی و گسترش مشارکت الکترونیک فرصت‌های نوینی برای پاسخگویی و

مشارکت شهروندی فراهم کرده است، اما بهره‌گیری از این مزایا به توانمندسازی دیجیتال شهروندان و کاهش شکاف‌های فناوری وابسته است (Pudjono et al., 2025).

۲. توانمندسازی

در کنار تحولات حکمرانی، مفهوم توانمندسازی نیز در ادبیات جدید به صورت چندبعدی - شامل سطوح فردی، سازمانی و ساختاری - تحلیل شده است و تمایز میان توانمندسازی روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی برای طراحی مداخلات کارآمد ضروری دانسته می‌شود؛ زیرا اقداماتی که صرفاً بر آموزش یا اطلاع‌رسانی تکیه دارند و تغییری در ساختار قدرت یا توزیع منابع ایجاد نمی‌کنند، فاقد اثر پایدار خواهند بود (Kruahong et al., 2025). در سطح روان‌شناختی نیز مؤلفه‌هایی همچون احساس شایستگی، خوداتکایی، معناداری و اثرگذاری با انگیزش و رفتارهای شهروندی پیوند دارند و نتایج فراتحلیل‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی اثربخش محصول ترکیب آموزش با اصلاح فرایندهای تصمیم‌گیری و پاداش‌دهی است (Llorente-Alonso et al., 2025). در سطح اجتماعی - محلی، توانمندسازی زمانی ثمربخش است که دسترسی به منابع مالی، اطلاعاتی و فنی، ارتقای مهارت‌ها و دانش، و ایجاد فضاهای مشارکتی و حقوقی برای اعمال نفوذ ذی‌نفعان به‌طور هم‌زمان تقویت شود؛ شواهد تجربی نیز مدل‌های ترکیبی ظرفیت‌سازی - حمایتی را مؤثرترین الگوهای بلندمدت دانسته‌اند (Dushkova & Ivlieva, 2024).

۳. جامعه مدنی

جامعه مدنی، به عنوان شبکه‌ای از سازمان‌ها و کنشگران مستقل، علاوه بر نقش خدماتی، نقش اساسی در تربیت شهروندی، تولید سرمایه اجتماعی و نظارت عمومی ایفا می‌کند و کارایی سیاست‌گذاری تا حد زیادی به قدرت، استقلال و میزان مشارکت آن وابسته است (Dekker, 2021). با این حال، محدودیت‌های حقوقی، فشارهای سیاسی و روند جهانی «تنگ شدن فضای مدنی» موجب کاهش توان نظارتی و مطالبه‌گری سازمان‌های مدنی شده و ضرورت تحلیل جامعه مدنی در بستر حقوقی - سیاسی هر کشور را برجسته می‌کند (Sander, 2021). جامعه مدنی در سطوح محلی و ملی نیز نقش دوگانه‌ای دارد: از یک سو شریک دولت در اجرای برنامه‌های توسعه و از سوی دیگر ناظر و مطالبه‌گر حقوق شهروندی؛ بنابراین ظرفیت سازمانی، منابع مالی، شبکه‌های ارتباطی و بستر حقوقی - سیاسی

از عوامل کلیدی اثرگذاری آن در توسعه محلی اند (Blanken et al., 2025). بر این اساس، توانمندسازی جامعه مدنی فراتر از تقویت سطح فردی یا سازمانی است و بر توسعه ظرفیت‌های مدیریتی، فنی و مالی سازمان‌های مدنی برای ایفای نقش‌های راهبری و نظارتی پایدار تأکید دارد؛ به‌طوری‌که ترکیب حمایت مالی، دسترسی به اطلاعات و ایجاد کانال‌های مشارکتی با نهادهای محلی می‌تواند آن‌ها را به بازیگران مؤثر سیاستی تبدیل کند (Dushkova & Ivlieva, 2024). همچنین تجربه حوزه سلامت عمومی و برنامه‌های بین‌المللی نشان داده که توانمندسازی مبتنی بر شبکه‌سازی، مشارکت در سیاست‌گذاری و آموزش تخصصی از مؤثرترین رویکردها به شمار می‌رود (Dushkova & Ivlieva, 2024). در سطح جهانی نیز تأکید شده است که شفافیت مالی، مقاومت شبکه‌ای در برابر فشار سیاسی و ایجاد کانال‌های رسمی مشورتی در فرایندهای سیاست‌گذاری از الزامات پایداری توانمندسازی جامعه مدنی اند، و شبکه‌سازی فراملی و حمایت‌های هدفمند می‌تواند توان سازمان‌های مدنی را در برابر محدودیت‌های داخلی افزایش داده و نقش آن‌ها را در دفاع از حقوق و ترویج دموکراسی تقویت کند (Walton & Aslam, 2024).

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های مختلفی که به تحلیل حکمرانی محلی پرداخته‌اند، نتایج مهمی در خصوص عوامل مؤثر و چالش‌های آن به دست آمده است. کوشش تبار و همکاران (۱۴۰۳) به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت حکمرانی محلی پرداختند و عوامل کلیدی مانند ارتقاء شفافیت، بهبود فضای کسب و کار و ترویج کارآفرینی را به عنوان مؤلفه‌های اصلی معرفی کردند. واعظی و وطن‌دوست (۱۴۰۲) تأکید کردند که برای بهبود تصمیمات توسعه‌ای در مناطق روستایی، نیاز به تحلیل دقیق مسائل محلی و استفاده از نظام تصمیم‌گیری غیرمتمرکز است. امیرآبادی و امینی (۱۴۰۲) نیز به اهمیت بهینه‌سازی حکمرانی محلی با تمرکز بر هماهنگی نهادها و واگذاری اختیارات به مقامات محلی اشاره کردند. پژوهش‌های اسدی اوجاق و حمیدپور رازیان (۱۴۰۱) نشان داد که در نظام حقوقی ایران، تفاوت‌های مبهمی میان امور ملی و محلی وجود دارد. خادمی کوهی و همکاران (۱۴۰۱) بر اهمیت تمرکززدایی در حکمرانی محلی برای توسعه پایدار و کاهش بار دولت مرکزی تأکید کردند. شیرعلی (۱۴۰۰) در بررسی مردمی‌سازی حکمرانی به افزایش مشارکت مردم در ابعاد اجتماعی و

سیاسی و تأثیر آن بر مشروعیت حکومت اشاره نمود. فرجی و همکاران (۱۳۹۹) بیان کردند که نقاط ضعف حکمرانی محلی باید با بهره‌برداری از فرصت‌ها برطرف شود. پژوهش کوزه‌گر و رضائی (۱۳۹۹) نشان داد که تمرکززدایی می‌تواند دموکراسی را تقویت کرده و مشارکت محلی را افزایش دهد. علی مرادی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی وضعیت خودگردانی محلی در ایران به تفاوت‌های قابل توجه در میزان خودگردانی استان‌ها پرداختند. آبیاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تحولات تاریخی حکمرانی محلی در ایران از دوران مشروطه تاکنون اشاره کردند. (Langmann et al (2023) به نقش مؤثر سازمان‌های غیردولتی در ظرفیت‌سازی جوامع محلی در تاملیل نادو و چالش‌های آن پرداختند. Uddin (2019) به ناکافی بودن تأثیر مشارکت‌های جامعه در فرآیند توانمندسازی حکومتی در بنگلادش اشاره کرد. (Carmona (2019 نیز بیان کرد که توانمندسازی مقامات محلی می‌تواند کارایی حکمرانی را ارتقا دهد. (Katiah et al (2017 تأکید کردند که توانمندسازی مردم باید بخشی از فرآیند تغییرات گسترده و توسعه محلی باشد. در نهایت، Yuwono (2016 نشان داد که جامعه مدنی می‌تواند با تأثیرات مثبتی که بر حکمرانی محلی در سوراکارتا، اندونزی، می‌گذارد به پایداری حکمرانی کمک کند.

روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت اکتشافی و هدف آن در بررسی عمیق، چندسویه و زمینه‌مند توانمندسازی جامعه مدنی در بستر سیاست‌های حکمرانی محلی، از رویکرد کیفی بهره گرفته است. این رویکرد به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با تمرکز بر معنا، تفسیر، و تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، به درکی ژرف از پدیده مورد مطالعه دست یابد. در چارچوب فلسفه عمل‌گرایی که بر پیوند میان نظریه و عمل، و ضرورت پاسخ‌گویی پژوهش به مسائل واقعی جامعه تأکید دارد، این مطالعه به صورت استقرایی طراحی شده و تلاش کرده است تا از طریق تحلیل نظام‌مند داده‌های گفتاری، به تبیین ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی موضوع تحقیق دست یابد. برای گردآوری داده‌ها، تمرکز اصلی بر مدیران فرمانداری‌ها به عنوان نهادهای مسئول طراحی و اجرای سیاست‌های محلی بود؛ با این حال، برای دستیابی به دیدگاهی جامع‌تر درباره توانمندسازی جامعه مدنی، داده‌ها از میان نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد، شوراهای محلی و فعالان اجتماعی نیز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به مرحله

اشباع مضمونی با ۲۰ نفر انجام شده است. جدول (۱)، مرحله رسیدن به اشباع مضمونی در پژوهش حاضر را نمایش می دهد.

جدول ۱. مرحله رسیدن اشباع مضمونی

شماره مصاحبه	تعداد کدهای باز جدید	مضامین جدید	وضعیت اشباع
M1	۳۳	۸	عدم اشباع
M2	۲۹	۶	عدم اشباع
M3	۲۵	۵	عدم اشباع
M4	۲۴	۴	عدم اشباع
M5	۲۲	۴	عدم اشباع
M6	۱۹	۳	عدم اشباع
M7	۱۵	۳	نزدیک به اشباع
M8	۱۴	۲	نزدیک به اشباع
M9	۱۲	۲	اشباع نسبی
M10	۹	۲	اشباع نسبی
M11	۵	۱	اشباع
M12	۲	۱	اشباع
M13	۰	۰	اشباع کامل
M14	۰	۰	اشباع کامل
M15-M20	۰	۰	تثبیت اشباع

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می شود، با پیشرفت فرآیند مصاحبه ها، میزان تولید کدهای جدید به تدریج کاهش یافته و بعد از مصاحبه شماره ۱۲، داده های جدید منجر به استخراج مضمون تازه ای نگردیده است. در این مرحله، مفاهیم پیشین صرفاً تکرار یا غنی سازی شده اند؛ از این رو، اشباع نظری در مصاحبه شماره ۱۲ حاصل شد. با این حال، به منظور اطمینان از پایداری اشباع و افزایش اعتبار یافته ها، مصاحبه ها تا نفر بیستم ادامه یافت. همچنین انتخاب مشارکت کنندگان با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی انجام گرفته، به گونه ای که افراد انتخاب شده واجد ویژگی هایی چون تحصیلات دانشگاهی و تجربه مدیریتی بیش از ده سال بوده اند. جدول (۲)، ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در این پژوهش را ارائه می کند.

جدول ۲. ویژگی‌های کلی مشارکت‌کنندگان جهت انجام مصاحبه

شاخص	جنسیت	سن	تحصیلات	سابقه کاری	میزان			
					مرد	زن	بالای ۵۰ سال	زیر ۲۰ سال
بر حسب تعداد	۵	۳	۵	۱۲	۱۳	۷	۱۰	۱۰
بر حسب درصد	۲۵	۱۵	۲۵	۶۰	۶۵	۳۵	۵۰	۵۰

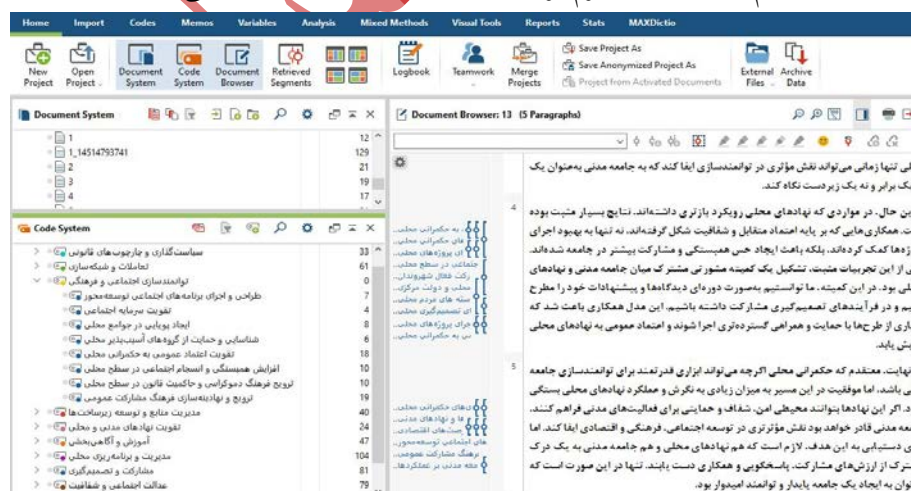
داده‌ها در طول فرایند مصاحبه‌ها، به صورت مستمر گردآوری، پیاده‌سازی و سپس با بهره‌گیری از شیوه کدگذاری اولیه و محوری در نرم‌افزار MAXQDA 2020 تحلیل شدند. این فرایند نظام‌مند به پژوهشگر امکان داد تا با شناسایی مفاهیم تکرارشونده، دسته‌بندی کدها و استخراج مضامین، به تدوین چارچوبی مفهومی از فرآیند توانمندسازی جامعه مدنی در بستر سیاست‌های حکمرانی محلی دست یابد. راهبرد تحلیلی به کار رفته در این پژوهش، تحلیل مضمون بوده که فرایند کدگذاری داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA 2020 انجام گردیده است (Braun & Clarke, 2006). همچنین، افزون بر استخراج کدهای تحلیلی، برای حفظ محرمانگی هویت مشارکت‌کنندگان، کدهای خاصی برای هر فرد نیز در نظر گرفته شد، (برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره یک با کد "M1" مشخص شد و سایر موارد نیز بر همین ترتیب کدگذاری شدند). در مرحله بعد، کدهای به دست آمده با جستجوی الگوهای مفهومی و شباهت‌های معنایی، در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی شدند. برای اعتبارسنجی داده‌ها و افزایش دقت و صحت تحلیل‌ها، از معیارهای چهارگانه اعتبار در پژوهش کیفی یعنی اعتبارپذیری، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. به این منظور، راهکارهایی چون بازبینی مشارکت‌کنندگان از یافته‌ها، بازبینی همکاران، یادداشت‌برداری دقیق میدانی، و ثبت شفاف مراحل تحلیل به کار گرفته شد. برای سنجش پایایی داده‌ها، از روش‌های رایج همچون شاخص کاپای کوهن (Cohen, 1960) استفاده شده است تا میزان دقت و صحت کدگذاری‌ها و تحلیل‌ها به طور کامل ارزیابی گردد. برای تفسیر ضریب کاپا،

از جدول (۳) که بر اساس دیدگاه مک‌هاگ (McHugh, 2012) تنظیم شده است، می‌توان استفاده کرد، این جدول به پژوهشگران کمک می‌کند تا میزان هم‌نظر بودن ارزیاب‌ها را بر اساس ارزش ضریب کاپا تفسیر کنند و نتایج را بر اساس میزان اعتبار توافق بین ارزیاب‌ها ارزیابی کنند.

جدول ۳. تفسیر ضریب کاپا

ضریب کاپا	میزان توافق
کمتر از ۰	توافق ضعیف
۰/۰۱ تا ۰/۲۰	توافق اندک
۰/۲۱ تا ۰/۴۰	توافق متوسط
۰/۴۱ تا ۰/۶۰	توافق نسبتاً خوب
۰/۶۱ تا ۰/۸۰	توافق خوب
۰/۸۱ تا ۱/۰۰	توافق بسیار خوب

در پژوهش حاضر ضریب کاپای به دست آمده معادل ۰/۷۹ است که این مقدار بیانگر توافق قابل قبول و رضایت‌بخش بین کدگذاران می‌باشد. به‌طور کلی، هرگاه ضریب کاپای کوهن بیشتر از ۰/۶۰ باشد، این به معنای توافق و هم‌خوانی مطلوب در فرآیند کدگذاری‌ها است که در این پژوهش نیز به‌طور مؤثر این نتیجه حاصل شد. شکل (۱) نیز نمایی از فرایند کدگذاری انجام‌شده در محیط نرم‌افزار MAXQDA 2020 را ارائه می‌دهد.



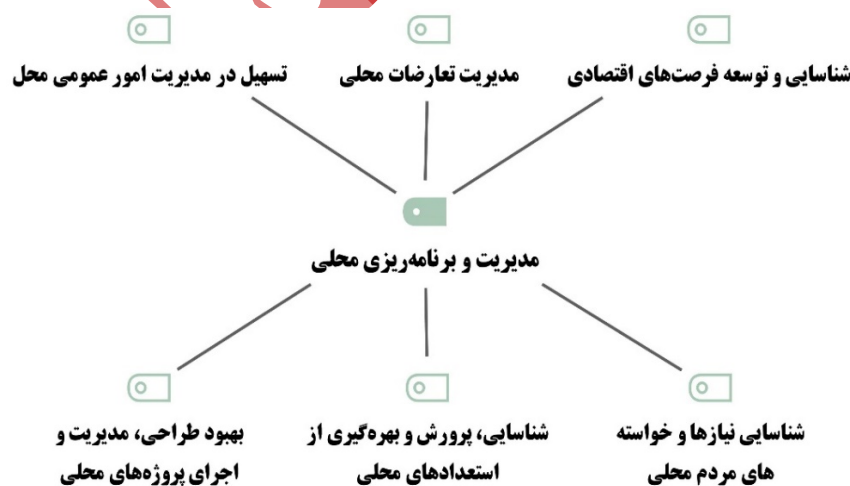
شکل ۱. فرآیند کدگذاری مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA 2020

شکل (۲) ابر کدهای پژوهش حاضر، در خروجی نرم افزار MAXQDA 2020 می باشد.



شکل ۲. ابر کدهای تحقیق

نمونه فرآیند کدگذاری برای مضمون اصلی مدیریت و برنامه ریزی محلی در خروجی نرم افزار MAXQDA 2020 نیز مطابق شکل (۳) می باشد:



شکل ۳. نمونه کدگذاری مضمون اصلی در نرم افزار MAXQDA 2020

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر به‌طور اختصاصی با تمرکز بر مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و تحلیل نظام‌مند آن‌ها، به تبیین مقولات و مضامین اصلی و فرعی استخراج شده می‌پردازد. در این بخش، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و استفاده از نرم‌افزار تخصصی MAXQDA 2020 تلاش شده تا فرایند کدگذاری و دسته‌بندی آن‌ها در قالب مضامین فرعی و اصلی، به‌صورت دقیق، منطقی و مبتنی بر شواهد ارائه گردد؛ به‌نحوی که ساختاری منسجم و هدفمند برای درک بهتر فرآیندها و سازوکارهای سیاست‌های حکمرانی محلی در توانمندسازی جامعه مدنی فراهم شود. مضامین اصلی شناسایی شده، نقش چارچوب مفهومی بنیادین و به منزله ابعاد کلان و درونی حکمرانی محلی تلقی می‌شوند؛ مضامین فرعی نیز به‌منزله مصادیق کاربردی و تبیین‌کننده سازوکارهای اجرایی هر یک از مضامین اصلی محسوب می‌شوند. این مضامین با دقت در فرایند تحلیل، از خلال تجارب زیسته و واقعی مشارکت‌کنندگان به‌دست آمده و در راستای تقویت انسجام تحلیلی، با استناد به نقل‌قول‌های مستقیم و گویا از مصاحبه‌شوندگان مستند شده‌اند. این نقل‌قول‌ها نه تنها به عمق‌بخشی مفهومی یافته‌ها کمک کرده‌اند، بلکه امکان درک عینی‌تر از پیچیدگی‌ها و فرصت‌های حکمرانی محلی را در بستر جامعه مدنی فراهم نموده‌اند.

درنهایت، بر اساس تحلیل محتوای عمیق مصاحبه‌ها، نقش سیاست‌های حکمرانی محلی در توانمندسازی جامعه مدنی؛ در قالب ۱۰ مضمون اصلی و ۴۱ مضمون فرعی طبقه‌بندی گردید. هر یک از این ابعاد، بیانگر یکی از حوزه‌های کلیدی در سیاست‌های حکمرانی محلی مؤثر بر جامعه مدنی بوده و در ادامه، به تفصیل مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. همچنین تمامی این یافته‌ها به‌طور منظم و تفصیلی که شامل کدهای اولیه، مضامین فرعی و مضمون‌های اصلی می‌باشد در جداولی منسجم ارائه شده‌اند تا تصویری جامع و دقیق از الگوی شناسایی شده در پژوهش حاضر فراهم آورده شود.

۱) مضمون اصلی اول: سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی

سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی به‌عنوان بنیان نهادی حکمرانی محلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به کنش‌های نهادهای مدنی، تنظیم روابط میان دولت و جامعه محلی و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای مشارکت پایدار شهروندان ایفا می‌کنند. یافته‌های

پژوهش نشان می‌دهد که در بستر حکمرانی محلی استان خراسان رضوی، سیاست‌هایی که بر پیشبرد اهداف توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای، تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به جوامع محلی استوار شده‌اند، بیش از سایر رویکردها توانسته‌اند زمینه توانمندسازی واقعی جامعه مدنی را فراهم آورند. این امر به‌ویژه در مناطقی از استان که با تنوع اجتماعی، تفاوت‌های توسعه‌ای و نیازهای محلی متمایز مواجه‌اند، اهمیت دوچندان می‌یابد. بر اساس شبکه مضامین، سیاست‌گذاری مبتنی بر نیازها و شرایط محلی، به‌عنوان یک راهبرد کلیدی، موجب هم‌راستاسازی تصمیم‌های قانونی با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی شده و از تحمیل سیاست‌های یکسان‌نگر و متمرکز جلوگیری می‌کند. در چنین چارچوبی، تقویت و توسعه بسترهای قانونی حمایت‌کننده از نهادهای مدنی، نه تنها شفافیت و پاسخگویی را افزایش می‌دهد، بلکه با کاهش تعارضات نهادی و تقویت اعتماد عمومی، مشارکت جامعه مدنی را از سطحی نمادین به سطحی نهادمند و پایدار ارتقا می‌بخشد. به‌طور کلی، تحلیل این مضمون نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، توانمندسازی جامعه مدنی زمانی محقق می‌شود که سیاست‌گذاری محلی از طریق چارچوب‌های قانونی انعطاف‌پذیر، زمینه تمرکززدایی، تقویت نقش جوامع محلی و تحقق عدالت اجتماعی را در سطح منطقه‌ای فراهم آورد. مضامین اصلی و فرعی «سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۴) می‌باشد.

جدول ۴. مضامین اصلی و فرعی سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
سیاست‌گذاری و چارچوب‌های قانونی	پیشبرد اهداف توسعه	حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط محلی، حفظ و مدیریت منابع طبیعی منطقه‌ای، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه
	پایدار	
	در سطح منطقه‌ای	
	تمرکززدایی و تقویت اختیارات جوامع محلی	تقویت زیرساخت‌های اداری در سطح محلی، تقویت نقش شوراهای سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت محلی، افزایش استقلال مالی جوامع محلی در تخصیص بودجه
	سیاست‌گذاری مبتنی بر نیازها	تدوین سیاست‌های منطقه‌ای متناسب با نیازهای محلی، تدوین سیاست‌های سفارشی‌سازی‌شده برای هر جامعه محلی، اولویت‌بندی پروژه‌ها براساس ظرفیت‌های محلی
	و شرایط محلی	

ایجاد قوانین شفاف برای حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد،	تقویت و توسعه
تقویت چارچوب‌های قانونی برای جذب سرمایه‌گذاری	بسترهای قانونی
محلی و منطقه‌ای	حمایت‌کننده

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «سیاست‌گذاری مبتنی بر نیازها و شرایط محلی» عبارتند از:

- «... هر منطقه‌ای نیازها و شرایط خاص خودش را دارد و سیاست‌گذاری باید بر اساس آن‌ها انجام شود.» (m8).
- «... بدون درک دقیق از شرایط محلی، سیاست‌گذاری‌ها معمولاً ناکارآمد و غیرواقعی خواهند بود.» (m2).
- «... سیاست‌هایی که با نیازهای واقعی محلی هماهنگ باشند، تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت.» (m14).
- «... شناسایی نیازهای واقعی مردم اولین گام در ایجاد سیاست‌های محلی موفق است.» (m9).
- «سیاست‌گذاری‌هایی که بر اساس شرایط محلی انجام می‌شوند، کارایی بیشتری خواهند داشت.» (m6).

۲) مضمون اصلی دوم: تعاملات و شبکه‌سازی

تعاملات و شبکه‌سازی در چارچوب حکمرانی محلی، به‌عنوان سازوکار پیونددهنده میان جامعه مدنی، نهادهای محلی و سطوح بالادستی حکمرانی، نقشی محوری در ارتقای ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بستر استان خراسان رضوی، که با پراکندگی جغرافیایی، تنوع اجتماعی و تفاوت‌های نهادی میان مناطق شهری و روستایی مواجه است، شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی منسجم و پایدار، شرط لازم برای تبدیل سیاست‌های محلی به کنش‌های توانمندساز محسوب می‌شود. بر اساس شبکه مضامین، برپایی رویدادهای محلی همچون نشست‌ها و همایش‌ها، به‌عنوان فضاهای گفت‌وگوی نهادمند، امکان تبادل تجربیات، هم‌افزایی میان کنشگران محلی و تقویت سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد. تحلیل مضامین فرعی نشان می‌دهد که ایفای نقش واسط میان مردم محلی و دولت مرکزی، یکی از کارکردهای کلیدی شبکه‌سازی در حکمرانی محلی است؛ به‌گونه‌ای که نهادهای مدنی و ساختارهای محلی می‌توانند مطالبات، نیازها و اولویت‌های بومی را به سطوح تصمیم‌گیری بالاتر منتقل کرده و از بروز گسست میان سیاست‌گذاری و اجرا جلوگیری کنند. همچنین، تقویت شبکه‌های ارتباطات اجتماعی و تعامل مؤثر میان نهادهای مدنی و نهادهای حکمرانی محلی، موجب افزایش اعتماد متقابل، هماهنگی نهادی و کاهش تعارضات اجرایی می‌شود. در مجموع، یافته‌ها دلالت بر آن دارد

که در استان خراسان رضوی، تسهیل در هماهنگی و ارتباط میان نهادهای محلی و مدنی، نه تنها ظرفیت کنشگری جامعه مدنی را ارتقا می‌بخشد، بلکه اثربخشی حکمرانی محلی را از طریق مشارکت شبکه‌ای تقویت می‌کند. مضامین اصلی و فرعی «تعاملات و شبکه‌سازی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۵) می‌باشد.

جدول ۵. مضامین اصلی و فرعی تعاملات و شبکه‌سازی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
تعاملات و شبکه‌سازی	برپایی رویدادهای محلی	تمرکز بر موضوعات محلی و مرتبط با نیازهای جامعه
	مانند نشست‌ها و همایش‌ها	در برنامه‌ریزی نشست‌ها، برگزاری رویدادهای فرهنگی، ورزشی و هنری برای تقویت روابط اجتماعی
	رابط بین مردم محلی و دولت مرکزی	تقویت نقش نمایندگان محلی در ارائه بازخورد به سیاست‌های دولتی، پیگیری مطالبات محلی در سطح ملی
	تقویت شبکه ارتباطات اجتماعی	رسانه‌های اجتماعی برای هم‌افزایی و هماهنگی فعالیت‌های اجتماعی، مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی در فعالیت‌های مشترک، تقویت تعاملات میان‌فرهنگی برای ارتقای تفاهم و همبستگی اجتماعی
تعامل مؤثر بین نهادهای مدنی و نهادهای حکمرانی محلی	تسهیل در هماهنگی و ارتباط بین نهادهای محلی و مدنی	ایجاد سازوکارهای رسمی برای همکاری بین نهادهای مدنی و حکمرانی محلی، تقویت اعتماد متقابل بین نهادهای مدنی و نهادهای حکمرانی محلی، تشویق به همکاری‌های مشترک در پروژه‌های اجتماعی محلی
	تسهیل در هماهنگی و ارتباط بین نهادهای محلی و مدنی	برگزاری جلسات مشترک و نشست‌های دوره‌ای برای هماهنگی فعالیت‌ها، شبکه‌های همکاری و هم‌افزایی میان نهادهای محلی و مدنی، آموزش کارکنان نهادهای محلی و مدنی برای ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و همکاری

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «رابط بین مردم محلی و دولت مرکزی» عبارتند از:

«... بدون وجود یک پل ارتباطی قوی، شکاف میان مردم محلی و دولت مرکزی افزایش می‌یابد.» (m3). «... ایجاد یک ساختار شفاف برای ارتباط میان مردم محلی و دولت مرکزی ضروری است که

حکمرانی محلی می‌تواند آن را محقق کند.» (m7). «... رابط می‌تواند درک متقابل میان مردم و دولت را تقویت کنند.» (m9). «... رابط‌ها به دولت مرکزی کمک می‌کنند تا تصمیمات مناسب‌تری برای مناطق محلی بگیرد.» (m11). «...حکمرانی محلی می‌تواند به عنوان رابط درک متقابل میان مردم و دولت را تقویت کنند.» (m5).

۳) مضمون اصلی سوم: توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی

توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی در چارچوب حکمرانی محلی، به‌عنوان زیربنای نرم توانمندسازی جامعه مدنی، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای ظرفیت کنشگری جمعی و پایداری مشارکت شهروندان ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بستر اجتماعی و فرهنگی استان خراسان رضوی، که با تنوع فرهنگی، تفاوت‌های سطح توسعه محلی و وجود گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در برخی مناطق مواجه است، طراحی و اجرای برنامه‌های اجتماعی توسعه‌محور، زمینه‌ساز تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد پویایی در جوامع محلی می‌شود. این برنامه‌ها زمانی اثربخش خواهند بود که متناسب با بافت اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و نیازهای واقعی جوامع محلی تدوین و اجرا شوند. براساس شبکه مضامین، شناسایی و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر محلی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی توانمندسازی اجتماعی محسوب می‌شود که با کاهش نابرابری‌ها و تقویت عدالت اجتماعی، مشارکت فراگیرتر شهروندان را امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین تقویت اعتماد عمومی به حکمرانی محلی، که در بستر شفافیت، پاسخگویی و عملکرد اثربخش نهادهای محلی شکل می‌گیرد، نقش واسطه‌مهمی در افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترویج فرهنگ دموکراسی، حاکمیت قانون و نهادهای فرهنگی مشارکت عمومی در سطح محلی، موجب ارتقای حس تعلق اجتماعی و تبدیل مشارکت شهروندان از کنش‌های مقطعی به کنشگری فعال و مسئولانه می‌شود. در مجموع، تحلیل این مضمون بیانگر آن است که در استان خراسان رضوی، توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی مکمل سیاست‌ها و ساختارهای حکمرانی محلی است و شرط لازم برای مشارکت پایدار و تقویت نقش جامعه مدنی در فرآیندهای توسعه محلی به شمار می‌آید. مضامین اصلی و فرعی «توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۶) می‌باشد.

جدول ۶. مضامین اصلی و فرعی توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی	طراحی و اجرای برنامه‌های اجتماعی	طراحی و اولویت‌بندی برنامه‌های اجتماعی، حمایت از برنامه‌های اجتماعی با ترویج مشارکت زنان و گروه‌های کم‌برخوردار در برنامه‌های توسعه‌محور
	اجتماعی توسعه‌محور	تقویت روابط اعتماد و همبستگی بین اعضای جامعه، ترویج مشارکت فعال مردم در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی، تسهیل ارتباطات و مشارکت‌های اجتماعی
	تقویت سرمایه اجتماعی	حمایت از جوانان و گروه‌های نوپا در توسعه ایده‌های اجتماعی و اقتصادی، حمایت از پروژه‌های فرهنگی و هنری برای تقویت هویت و مشارکت اجتماعی
	ایجاد پویایی در جوامع محلی	شناسایی نیازها و چالش‌های خاص گروه‌های آسیب‌پذیر از طریق تحقیقات میدانی، ایجاد بانک اطلاعاتی از گروه‌های آسیب‌پذیر برای تسهیل دسترسی به خدمات حمایتی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در دسترسی به منابع آموزشی، بهداشتی و اقتصادی
توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی	شناسایی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر محلی	ترویج مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در بین مقامات و نهادهای محلی، برگزاری جلسات مشورتی منظم با حضور شهروندان برای ارتقای تعامل و اعتماد، ارتقای آگاهی عمومی درباره خدمات و برنامه‌های حکمرانی محلی از طریق رسانه‌ها
	تقویت اعتماد عمومی به حکمرانی محلی	تقویت روابط میان گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، حمایت از پروژه‌های مشترک که موجب تقویت همبستگی میان ساکنان محلی می‌شود

ترویج فرهنگ دموکراسی و حاکمیت قانون در سطح محلی	تقویت آگاهی عمومی در مورد اهمیت حاکمیت قانون و رعایت آن در زندگی روزمره، ترویج احترام به حقوق بشر و تساوی در برابر قانون در میان گروه‌های مختلف اجتماعی
ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت عمومی	ایجاد بسترهای قانونی و ساختاری برای تسهیل مشارکت عمومی در امور محلی، تشویق به مشارکت در برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از طریق کمپین‌های اطلاع‌رسانی، تقویت فرهنگ گفت‌وگو و تبادل نظر میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سطح محلی

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت عمومی» عبارتند از:

«... ترویج فرهنگ مشارکت عمومی باعث می‌شود که مردم احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جامعه خود داشته باشند.» (m6). «... نهادینه‌سازی مشارکت عمومی به عنوان یک فرهنگ، زمینه ساز توسعه پایدار است.» (m14). «... ترویج فرهنگ مشارکت عمومی، اعتماد میان مردم و نهادهای حکمرانی را تقویت می‌کند.» (m7). «... جوامعی که فرهنگ مشارکت عمومی در آنها قوی است، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.» (m13).

۴) مضمون اصلی چهارم: مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها

مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها به عنوان یکی از ارکان ساختاری حکمرانی محلی، نقش اساسی در پایداری و اثربخشی توانمندسازی جامعه مدنی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به گستردگی جغرافیایی، تفاوت‌های سطح برخورداری مناطق و تنوع نیازهای محلی، نحوه تخصیص و مدیریت منابع تأثیر مستقیمی بر میزان مشارکت شهروندان و کارآمدی نهادهای مدنی دارد. بر اساس شبکه مضامین، بهره‌گیری از نمونه‌ها و تجربیات موفق محلی و ملی، به عنوان یک راهبرد یادگیرنده، امکان انتقال دانش عملی و کاهش هزینه‌های آزمون و خطا را در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های محلی فراهم می‌سازد. تحلیل مضامین فرعی نشان می‌دهد که ایجاد و تقویت منابع مالی پایدار، شرط لازم برای استقلال نسبی نهادهای مدنی و تداوم فعالیت‌های آن‌ها در سطح

محلی است؛ امری که از وابستگی به حمایت‌های مقطعی و ناپایدار جلوگیری کرده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را فراهم می‌آورد. همچنین توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای نهادهای مدنی، از جمله فضاهای فیزیکی، امکانات ارتباطی و ظرفیت‌های نهادی، بستر لازم برای سازمان‌دهی کنش جمعی و افزایش اثربخشی فعالیت‌های مدنی را مهیا می‌سازد. در نهایت، مدیریت بهینه منابع محلی با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی، ضمن ارتقای اعتماد عمومی، زمینه مشارکت فعال‌تر شهروندان را فراهم کرده و نقش جامعه مدنی را در تحقق توسعه محلی و عدالت اجتماعی تقویت می‌کند. به‌طور کلی، مضامین اصلی و فرعی «مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۷) می‌باشد.

جدول ۷. مضامین اصلی و فرعی مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها	بهره‌گیری از نمونه‌ها و تجربیات موفق محلی و ملی	مطالعه و تحلیل تجربیات موفق محلی و ملی در حوزه حکمرانی و توسعه اجتماعی، انتقال بهترین شیوه‌ها و تجربیات به نهادهای محلی برای بهبود عملکرد
	ایجاد و تقویت منابع مالی پایدار	توسعه مدل‌های تأمین مالی محلی برای پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی پایدار، حمایت از ابتکارات خودکفایی مالی در جوامع محلی از طریق منابع داخلی، ایجاد برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری از بخش‌های خصوصی و دولتی برای پروژه‌های محلی
	توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز برای نهادهای مدنی	ایجاد و تقویت فضاهای فیزیکی و دیجیتال برای فعالیت‌های نهادهای مدنی، توسعه منابع مالی پایدار برای حمایت از نهادهای مدنی و پروژه‌های آن‌ها
	مدیریت بهینه منابع محلی	شناسایی و اولویت‌بندی منابع محلی بر اساس نیازها و پتانسیل‌های منطقه، ارتقای آگاهی عمومی در مورد ارزش و اهمیت منابع محلی و حفاظت از آن‌ها

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «مدیریت بهینه منابع محلی» عبارتند از:

«... بهره‌برداری صحیح از منابع محلی می‌تواند چالش‌های اقتصادی را کاهش دهد و به رفاه عمومی منجر شود.» (m5). «... زمانی که منابع محلی به‌طور بهینه مدیریت شوند، اثرات مثبت آن بر تمامی سطوح

جامعه نمایان می‌شود.» (m9). «... یک سیستم مدیریت منابع محلی مؤثر می‌تواند به رشد اقتصادی و پایداری محیط زیستی کمک کند.» (m7). «... استفاده بهینه از منابع محلی به جوامع محلی قدرت می‌دهد تا به‌طور مستقل به رشد خود ادامه دهند.» (m11). «... با مدیریت درست منابع محلی، می‌توان از بحران‌ها پیشگیری کرده و ظرفیت‌های منطقه‌ای را شکوفا کرد.» (m6). «... منابع محلی باید به‌طور هوشمندانه و با در نظر گرفتن نیازهای فعلی و آینده مدیریت شوند.» (m13).

۵) مضمون اصلی پنجم: تقویت نهادهای مدنی و محلی

تقویت نهادهای مدنی و محلی به‌عنوان هسته نهادی جامعه مدنی در حکمرانی محلی، نقشی تعیین‌کننده در سازمان‌دهی مشارکت شهروندان و تبدیل مطالبات اجتماعی به کنش‌های نهادمند ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به گستردگی ساختارهای محلی، تنوع مأموریت نهادهای مدنی و تفاوت سطح ظرفیت نهادی میان مناطق مختلف، افزایش کارآمدی و بهره‌وری این نهادها یکی از پیش‌شرط‌های اساسی توانمندسازی جامعه مدنی به‌شمار می‌آید. بر اساس شبکه مضامین، بهبود ساختارهای سازمانی، شفاف‌سازی وظایف و ارتقای مهارت‌های مدیریتی در نهادهای مدنی، زمینه ارائه خدمات مؤثرتر و پاسخگویی بهتر به نیازهای جوامع محلی را فراهم می‌سازد. تحلیل مضامین فرعی نشان می‌دهد که حمایت از رشد و تقویت انجمن‌ها و نهادهای مدنی، نه تنها موجب گسترش دامنه فعالیت‌های اجتماعی می‌شود، بلکه با افزایش قدرت چانه‌زنی و نمایندگی اجتماعی، نقش جامعه مدنی را در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی تقویت می‌کند. همچنین حمایت مالی و معنوی هدفمند از نهادهای مدنی، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار استان، امکان تداوم فعالیت‌ها و کاهش وابستگی به منابع ناپایدار را فراهم می‌آورد. مضامین اصلی و فرعی «تقویت نهادهای مدنی و محلی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۸) می‌باشد.

جدول ۸. مضامین اصلی و فرعی تقویت نهادهای مدنی و محلی

کدهای اولیه	مضامین فرعی	مضمون اصلی
شناسایی و کاهش موانع سازمانی و اداری برای بهبود کارکرد نهادهای مدنی، تقویت مدیریت منابع مالی و انسانی نهادهای مدنی برای استفاده بهینه از امکانات	افزایش کارآمدی و بهره‌وری نهادهای مدنی	تقویت نهادهای مدنی و محلی

ارائه مشوق‌های مالی و قانونی برای توسعه و رشد	حمایت از رشد و تقویت
انجمن‌ها و نهادهای مدنی، تقویت ظرفیت‌سازی و آموزش برای مدیران و اعضای انجمن‌ها به‌منظور ارتقای عملکرد آن‌ها، ایجاد و تقویت شبکه‌های همکاری میان نهادهای مدنی برای تبادل تجربیات و هم‌افزایی	انجمن‌ها و نهادهای مدنی
ایجاد منابع مالی پایدار برای حمایت از پروژه‌ها و فعالیت‌های نهادهای مدنی، حمایت معنوی از نهادهای مدنی از طریق ارتقای اعتبار و شناخته شدن در سطح ملی	حمایت مالی و معنوی از نهادهای مدنی

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «افزایش کارآمدی و بهره‌وری نهادهای مدنی» عبارتند از:

«... نهادهای مدنی با افزایش بهره‌وری می‌توانند در راستای اهداف اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذارتر عمل کنند.» (m5). «... بهره‌وری بالا در نهادهای مدنی به معنی استفاده بهینه از منابع انسانی و مالی است.» (m2). «... افزایش کارآمدی نهادهای مدنی موجب می‌شود که این نهادها بتوانند خدمات بهتری به جامعه ارائه دهند.» (m8). «... بهره‌وری نهادهای مدنی ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های آن‌ها دارد.» (m9). «... نهادهای مدنی با تمرکز بر بهره‌وری و کارآمدی می‌توانند تأثیرات پایدار و ماندگاری در جامعه ایجاد کنند.» (m6).

۶) مضمون اصلی ششم: آموزش و آگاهی بخشی

آموزش و آگاهی‌بخشی در چارچوب حکمرانی محلی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای توانمندسازی نرم جامعه مدنی، نقش بنیادینی در ارتقای کیفیت مشارکت شهروندان و افزایش ظرفیت کنشگری آگاهانه ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به تنوع سطح تحصیلات، تفاوت دسترسی به منابع اطلاعاتی و پراکندگی جغرافیایی جوامع محلی، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند و متناسب با شرایط محلی، نقشی تعیین‌کننده در افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق شهروندی، مسئولیت‌های اجتماعی و فرآیندهای حکمرانی محلی دارد. بر اساس شبکه مضامین، همکاری راهبردی با رسانه‌ها به‌عنوان یک بستر مؤثر اطلاع‌رسانی و آگاهی

بخشی، امکان گسترش دامنه آموزش‌های عمومی، شفاف‌سازی تصمیم‌ها و تقویت گفت‌وگوی اجتماعی را فراهم می‌سازد. این امر به‌ویژه در سطح محلی، با کاهش فاصله اطلاعاتی میان نهادهای حکمرانی و شهروندان، زمینه مشارکت آگاهانه‌تر و مطالبه‌گری مسئولانه‌تر جامعه مدنی را ایجاد می‌کند. همچنین برگزاری آموزش‌های تخصصی برای فعالان مدنی، مدیران محلی و کنشگران اجتماعی، با هدف ارتقای دانش، مهارت‌های مدیریتی و توان تحلیلی، موجب افزایش اثربخشی کنش‌های مدنی و بهبود تعامل میان نهادهای مدنی و ساختارهای حکمرانی محلی می‌شود. در مجموع، تحلیل این مضمون نشان می‌دهد که در بستر حکمرانی محلی استان خراسان رضوی، آموزش و آگاهی‌بخشی نه تنها یک اقدام مکمل، بلکه پیش‌شرط اساسی برای تحقق مشارکت پایدار، افزایش اعتماد عمومی و توانمندسازی نهادمند جامعه مدنی به شمار می‌آید. مضامین اصلی و فرعی «آموزش و آگاهی‌بخشی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۹) می‌باشد.

جدول ۹. مضامین اصلی و فرعی آموزش و آگاهی‌بخشی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
آموزش و آگاهی بخشی	همکاری راهبردی با رسانه‌ها	ایجاد روابط استراتژیک با رسانه‌های ملی و محلی برای پوشش اخبار و فعالیت‌های نهادهای مدنی، استفاده از رسانه‌ها برای ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی و تشویق به فعالیت‌های مدنی، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های خبری مشترک با رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی به عموم مردم
	برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی	برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی برای اعضای نهادهای مدنی و عمومی، توسعه برنامه‌های آموزشی آنلاین برای دسترسی گسترده‌تر به محتوای آموزشی و ارتقای آگاهی، تقویت برنامه‌های آموزشی برای آشنایی عموم مردم با مسائل حقوقی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با نهادهای مدنی
	برگزاری آموزش‌های تخصصی و ارتقای سطح آگاهی عمومی	

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «همکاری راهبردی با رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی» عبارتند از:

«... همکاری راهبردی با رسانه‌ها باعث می‌شود که آگاهی عمومی در مورد مسائل اجتماعی به‌طور مؤثرتری افزایش یابد.» (m8). «... رسانه‌ها با تأکید بر شفافیت و اطلاع‌رسانی، پل ارتباطی بین مردم و نهادهای مدنی ایجاد می‌کنند.» (m3). «... بدون استفاده از رسانه‌ها، دسترسی به طیف گسترده‌ای از جامعه برای اطلاع‌رسانی دشوار است.» (m10). «... رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در آموزش و آگاهی‌بخشی درباره حقوق و مسئولیت‌های شهروندی ایفا کنند.» (m2). «... برای انتقال پیام‌های مهم به جامعه، تعامل مداوم با رسانه‌های محلی و ملی ضروری است.» (m11).

۷) مضمون اصلی هفتم: مدیریت و برنامه‌ریزی محلی

مدیریت و برنامه‌ریزی محلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری حکمرانی محلی، نقش واسط میان سیاست‌گذاری، تخصیص منابع و کنش‌های اجرایی در سطح جامعه ایفا می‌کند و به‌طور مستقیم بر میزان توانمندسازی جامعه مدنی تأثیرگذار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به تفاوت‌های قابل توجه میان مناطق شهری، روستایی و حاشیه‌ای، مدیریت کارآمد امور عمومی و برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت دقیق شرایط محلی، شرط لازم برای پاسخگویی به نیازها و افزایش رضایت شهروندان محسوب می‌شود. بر اساس شبکه مضامین، تسهیل در مدیریت امور عمومی محلی، از طریق ساده‌سازی فرآیندها و افزایش هماهنگی نهادی، زمینه مشارکت فعال‌تر شهروندان و نهادهای مدنی را فراهم می‌سازد. تحلیل مضامین فرعی نشان می‌دهد که مدیریت تعارضات محلی، به‌ویژه در جوامعی با تنوع اجتماعی و منافع متعارض، یکی از کارکردهای اساسی مدیریت محلی است که با کاهش تنش‌ها و تقویت گفت‌وگو، انسجام اجتماعی را ارتقا می‌بخشد. همچنین شناسایی و توسعه فرصت‌های اقتصادی محلی، در کنار شناسایی، پرورش و بهره‌گیری از استعدادهای بومی، موجب تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه و افزایش تاب‌آوری اجتماعی می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که برنامه‌ریزی محلی زمانی اثربخش خواهد بود که بر شناسایی نیازها و خواسته‌های واقعی مردم محلی استوار بوده و به بهبود طراحی، مدیریت و اجرای پروژه‌های محلی منجر شود. در مجموع، تحلیل این مضمون نشان می‌دهد که در بستر حکمرانی محلی استان خراسان رضوی، مدیریت و برنامه‌ریزی محلی مشارکت‌محور، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیوند میان جامعه مدنی، توسعه اقتصادی و تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند.

مضامین اصلی و فرعی «مدیریت و برنامه‌ریزی محلی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۱۰) می‌باشد.

جدول ۱۰. مضامین اصلی و فرعی مدیریت و برنامه‌ریزی محلی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
مدیریت و برنامه‌ریزی محلی	تسهیل در	ایجاد ساختارهای مدیریتی شفاف و کارآمد برای تسهیل
	مدیریت امور عمومی محل	در انجام امور عمومی محل، تقویت همکاری و
		هماهنگی میان نهادهای محلی و سایر ذینفعان برای بهبود
		مدیریت امور عمومی، آموزش و توانمندسازی مسئولان
		محلی برای بهبود عملکرد مدیریتی و بهره‌وری در امور عمومی
	مدیریت تعارضات محلی	توسعه مهارت‌های میانجیگری و حل تعارض برای
		اعضای نهادهای محلی و شهروندان، توسعه فرآیندهای
		مشاوره‌ای و مذاکره برای کاهش تنش‌ها و حل تعارضات محلی
	شناسایی و توسعه فرصت‌های اقتصادی	تحلیل و شناسایی منابع و ظرفیت‌های اقتصادی موجود
		در سطح محلی، ایجاد همکاری‌های راهبردی میان
		نهادهای محلی، دولتی و خصوصی برای شناسایی
		فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تشویق به راه‌اندازی
		کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در راستای رشد اقتصادی محلی
	شناسایی، پرورش و بهره‌گیری از استعدادهای محلی	ایجاد بانک اطلاعاتی برای شناسایی استعدادها و
		مهارت‌های محلی در زمینه‌های مختلف، تقویت
		برنامه‌های مشاوره‌ای برای راهنمایی و هدایت
		استعدادهای محلی
	شناسایی نیازها و خواسته‌های مردم محلی	برگزاری نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌های میدانی برای
		جمع‌آوری اطلاعات از مردم محلی درباره نیازها و
		خواسته‌هایشان، استفاده از گروه‌های کانونی و
		نشست‌های مشارکتی برای شناسایی مشکلات و
		انتظارات جامعه محلی

استفاده از رویکردهای مشارکتی در طراحی پروژه‌ها برای	بهبود طراحی، مدیریت و
درگیر کردن جامعه محلی، تقویت همکاری میان نهادهای	اجرای پروژه‌های محلی
دولتی، محلی و بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌ها	

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «شناسایی، پرورش و بهره‌گیری از استعدادهای محلی» عبارتند از:

- «... بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی نیازمند ایجاد فرصت‌های برابر برای شکوفایی استعدادهاست.» (m4).
- «... شناسایی استعدادها، اولین قدم در ایجاد جوامع پایدار و توانمند است.» (m7).
- «... حمایت از استعدادهای محلی باعث می‌شود که جوانان احساس تعلق بیشتری به جامعه خود داشته باشند.» (m12).
- «... شناسایی و تقویت استعدادها در سطح محلی می‌تواند به کاهش مهاجرت نخبگان منجر شود.» (m8).
- «... جامعه‌ای که به استعدادهای محلی خود بها دهد، در مسیر رشد و پیشرفت پایدار قرار خواهد گرفت.» (m6).
- «... پرورش استعدادهای محلی به معنای سرمایه‌گذاری در آینده جامعه است.» (m5).

۸) مضمون اصلی هشتم: مشارکت و تصمیم‌گیری

مشارکت و تصمیم‌گیری در چارچوب حکمرانی محلی، به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین توانمندسازی جامعه مدنی، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت سیاست‌ها و مشروعیت تصمیم‌های محلی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به گستردگی قلمرو، تنوع اجتماعی و تفاوت ظرفیت‌های مدیریتی در سطوح محلی، به‌کارگیری مدیران بومی و محلی نقش مهمی در هم‌راستاسازی تصمیم‌ها با نیازها، اولویت‌ها و حساسیت‌های جوامع محلی دارد. حضور مدیران آشنا با بافت اجتماعی و فرهنگی منطقه، زمینه اعتمادسازی و تعامل مؤثرتر میان شهروندان و ساختارهای حکمرانی محلی را فراهم می‌سازد. بر اساس شبکه مضامین، مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی، زمانی به توانمندسازی واقعی جامعه مدنی منجر می‌شود که از قالب‌های صوری و مشورتی فراتر رفته و در قالب سازوکارهای نهادمند و مستمر تحقق یابد. ایجاد بسترهای مشارکت فعال شهروندان، از جمله شوراها، مجامع محلی و فرآیندهای گفت‌وگوی اجتماعی، موجب افزایش شفافیت، پاسخگویی و کاهش فاصله میان مردم و مسئولان می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که چنین رویکردی نه‌تنها کیفیت تصمیم‌گیری‌های محلی را بهبود می‌بخشد، بلکه با تقویت حس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری شهروندان، پایداری حکمرانی محلی

و نقش آفرینی مؤثر جامعه مدنی را در استان خراسان رضوی تقویت می‌کند. مضامین اصلی و فرعی «مشارکت و تصمیم‌گیری در حکمرانی محلی» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۱۱) می‌باشد.

جدول ۱۱. مضامین اصلی و فرعی مشارکت و تصمیم‌گیری

کدهای اولیه	مضامین فرعی	مضمون اصلی
شناسایی و انتخاب مدیران بومی با توجه به تخصص‌های محلی و آشنایی با مسائل منطقه، ایجاد برنامه‌های توانمندسازی برای پرورش مدیران محلی و ارتقای مهارت‌های مدیریتی آنان	به کارگیری مدیران بومی و محلی	مشارکت و تصمیم‌گیری
ایجاد کانال‌های ارتباطی مؤثر برای تبادل نظرات و پیشنهادات شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی، تشویق به مشارکت فعال گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های محلی	مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی	
برگزاری جلسات مشورتی محلی برای گفتگو و تبادل نظر میان شهروندان و مسئولان در خصوص مسائل منطقه‌ای، تشویق به تشکیل کمیته‌های محلی برای بررسی و تصمیم‌گیری در مسائل اجتماعی و اقتصادی محلی	ایجاد بسترهای مشارکت فعال شهروندان	

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «به کارگیری مدیران بومی و محلی» عبارتند از:

«... استفاده از مدیران محلی باعث افزایش اعتماد مردم به ساختارهای حکمرانی می‌شود.» (m7). «... مدیران بومی به دلیل شناخت عمیق از فرهنگ و مشکلات منطقه، تصمیمات مؤثرتری اتخاذ می‌کنند.» (m10). «... مدیران بومی می‌توانند ارتباطی قوی‌تر و مؤثرتر با مردم منطقه برقرار کنند.» (m8). «... مدیران بومی بهتر می‌توانند منابع محلی را شناسایی و از آن‌ها بهره‌برداری کنند.» (m11). «... حضور مدیران بومی در رأس تصمیم‌گیری‌ها، باعث می‌شود مردم به برنامه‌ها اعتماد بیشتری داشته باشند.» (m6). «... مدیران محلی به دلیل شناخت جزئیات فرهنگی و اجتماعی منطقه، در اجرای سیاست‌ها موفق‌تر هستند.» (m9).

۹) مضمون اصلی نهم: عدالت اجتماعی و شفافیت

عدالت اجتماعی و شفافیت به عنوان دو اصل بنیادین در حکمرانی محلی، نقشی تعیین کننده در شکل گیری اعتماد عمومی، کارآمدی نهادهای مدنی و کاهش نابرابری های ساختاری ایفا می کنند. یافته های پژوهش نشان می دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به گستردگی جغرافیایی، تنوع اجتماعی و تفاوت سطح برخورداری مناطق شهری، روستایی و حاشیه ای، تحقق عدالت اجتماعی مستلزم استقرار سازوکارهای شفاف، پاسخگو و مبتنی بر نظارت مستمر است. در چنین بستری، پایش و ارزیابی مداوم عملکرد نهادهای مدنی و محلی، به عنوان یکی از مضامین محوری، امکان شناسایی شکاف های اجرایی، نابرابری در توزیع منابع و انحراف از اهداف توسعه محلی را فراهم می سازد و زمینه اصلاح سیاست ها و تصمیم های محلی را تقویت می کند. بر اساس شبکه مضامین استخراج شده، پاسخگویی شفاف نهادهای حکمرانی محلی به نظارت جامعه مدنی، به ویژه در مناطق متنوع و چندسطحی استان خراسان رضوی، عاملی کلیدی در کاهش فاصله میان مردم و ساختارهای تصمیم گیر محسوب می شود. ارائه گزارش های دقیق، به موقع و مبتنی بر داده های واقعی، شفافیت فرآیندها و تصمیم گیری های محلی را افزایش می دهد و از طریق دسترسی عمومی به اطلاعات، زمینه مقابله با تبعیض و تصمیم گیری های غیرمنصفانه را فراهم می سازد. مضامین اصلی و فرعی «عدالت اجتماعی و شفافیت» در خروجی نرم افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۱۲) می باشد.

جدول ۱۲. مضامین اصلی و فرعی عدالت اجتماعی و شفافیت

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
عدالت اجتماعی و شفافیت	پایش و ارزیابی مستمر عملکرد نهادهای مدنی	برگزاری ارزیابی های دوره ای برای تحلیل نتایج و عملکرد نهادهای مدنی در راستای اهداف اجتماعی و توسعه ای، استفاده از بازخوردهای جامعه هدف برای ارزیابی اثرات برنامه ها و فعالیت های نهادهای مدنی
	پاسخگویی شفاف به نظارت جامعه مدنی بر عملکردها	ایجاد سیستم های بازخورد دوطرفه بین نهادهای مدنی و ذینفعان برای شفاف سازی و بهبود فرآیندهای اجرایی

برگزاری جلسات عمومی و هم‌اندیشی برای توضیح و تبادل نظر در خصوص تصمیمات مهم محلی با حضور مسئولان و شهروندان، تشویق به بازخورد از سوی شهروندان پس از اتخاذ تصمیمات به‌منظور شفاف‌سازی و اصلاح فرآیندها	شفافیت فرآیندها و تصمیم‌گیری‌های حکمرانی محلی
ایجاد سیاست‌های حمایتی برای گروه‌های کم‌برخوردار و آسیب‌پذیر به‌منظور کاهش نابرابری‌های اجتماعی، توسعه برنامه‌های آموزشی و آگاهی بخشی برای ترویج فرهنگ عدالت اجتماعی در سطح جامعه	تقویت عدالت اجتماعی

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «پایش و ارزیابی مستمر عملکرد نهادهای مدنی» عبارتند از:

«... بدون پایش مداوم، عملکرد نهادهای مدنی نمی‌تواند به‌درستی تحلیل و بهبود یابد.» (m2). «... ارزیابی مستمر به شناسایی نقاط قوت و ضعف نهادهای مدنی کمک شایانی می‌کند.» (m7). «... پایش منظم عملکرد، باعث افزایش شفافیت و اعتماد عمومی به نهادهای مدنی می‌شود.» (m10). «... نهادهای مدنی برای تحقق اهداف خود نیازمند ارزیابی دقیق و بازخوردهای مداوم هستند.» (m5). «... ارزیابی عملکرد، به نهادهای مدنی امکان می‌دهد که برنامه‌های خود را با نیازهای جامعه هماهنگ کنند.» (m3).

۱۰) مضمون اصلی دهم: نوآوری و فناوری

نوآوری و فناوری در حوزه حکمرانی محلی و نهادهای مدنی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تحول و بهبود کارآمدی ساختارهای مدیریتی، نقشی اساسی در افزایش توان پاسخ‌گویی، شفافیت و پویایی نظام حکمرانی ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی، با توجه به گسترده‌گی جغرافیایی، تفاوت ظرفیت‌های زیرساختی و تنوع جمعیتی مناطق شهری و روستایی، استفاده از نوآوری و فناوری، به‌ویژه سامانه‌های دیجیتال، پلتفرم‌های هوشمند و ابزارهای نظارت الکترونیکی، امکان مدیریت یکپارچه اطلاعات، تسهیل جریان تصمیم‌گیری و افزایش سرعت دسترسی به داده‌های قابل اتکا را فراهم می‌سازد. حمایت از نوآوری در نهادهای مدنی و ساختارهای حکمرانی محلی استان، علاوه بر کاهش بروکراسی و بهبود فرآیندهای مدیریتی، زمینه بروز خلاقیت‌های

محلی و ارتقای الگوهای مشارکتی در سطوح شهری و روستایی را ایجاد می‌کند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین موجب کاهش خطاهای انسانی، ارتقای شفافیت و تقویت اعتماد عمومی می‌شود و شهروندان را قادر می‌سازد با مشارکت آگاهانه در تصمیم‌گیری‌ها، به تقویت پایداری و اثربخشی حکمرانی محلی کمک کنند. مضامین اصلی و فرعی «نوآوری و فناوری» در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق جدول (۱۳) می‌باشد.

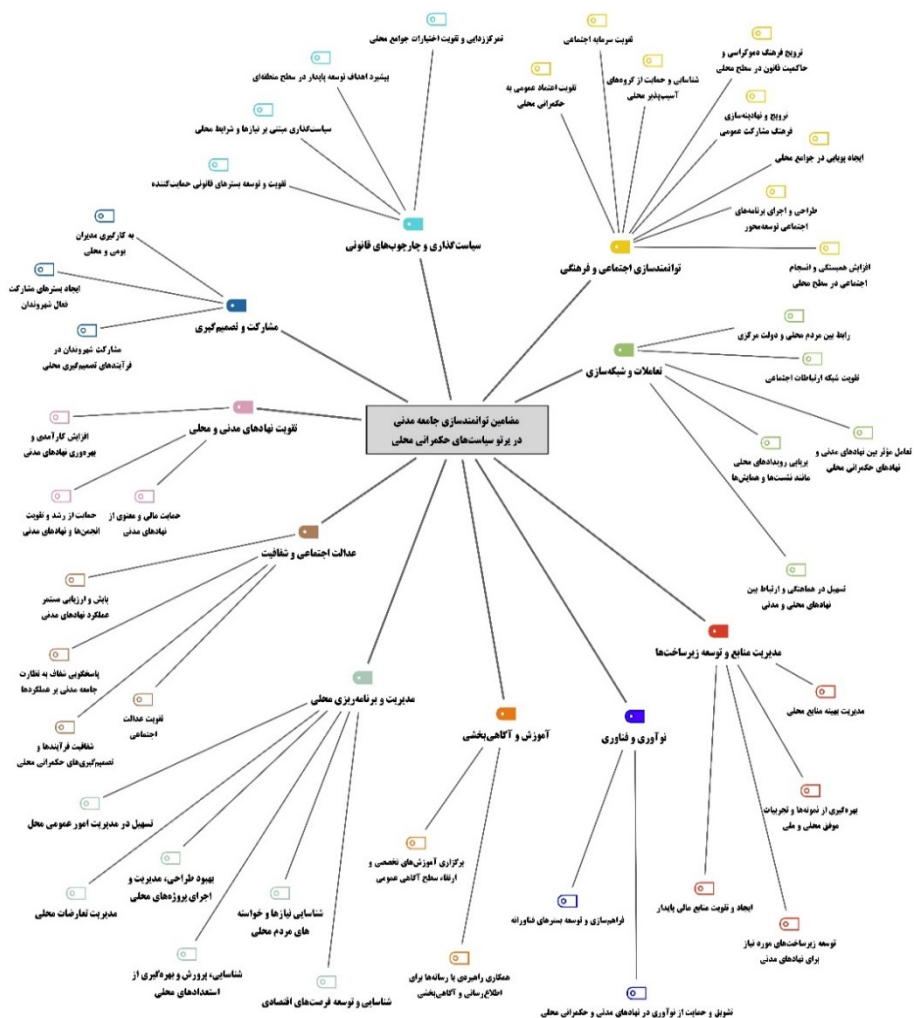
جدول ۱۳. مضامین اصلی و فرعی نوآوری و فناوری

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
نوآوری و فناوری	تشویق و حمایت از نوآوری	تشویق به ابتکارات و نوآوری‌ها، پشتیبانی از طرح‌های نوآورانه و فناوری‌های جدید، تخصیص منابع مالی و تسهیلات برای پروژه‌های نوآورانه در نهادهای مدنی و حکمرانی محلی
	فراهم‌سازی و توسعه بسترهای فناورانه	توسعه ابزارهای دیجیتال برای تسهیل جمع‌آوری نظرات جامعه، تأمین تجهیزات و فناوری‌های لازم برای تسهیل ارتباطات و همکاری‌های نهادهای مدنی، ایجاد فضای حمایتی برای استارت‌آپ‌ها و پروژه‌های فناورانه در بخش‌های حکمرانی محلی و نهادهای مدنی

چند مورد از نقل قول‌ها در راستای مضمون فرعی «فراهم‌سازی و توسعه بسترهای فناورانه» عبارتند از:

«...فراهم‌سازی بسترهای فناورانه، امکان دسترسی سریع و آسان به اطلاعات را برای نهادهای مدنی فراهم می‌کند.» (m5). «...توسعه فناوری در نهادهای مدنی به بهبود فرآیندها و افزایش بهره‌وری کمک می‌کند.» (m3). «...استفاده از بسترهای فناورانه، به نهادهای مدنی این امکان را می‌دهد که خدمات خود را به‌طور مؤثرتر ارائه دهند.» (m9). «...فناوری می‌تواند به بهبود نظارت بر عملکرد نهادهای مدنی کمک کند.» (m12). «...توسعه بسترهای فناورانه در نهادهای مدنی، زمینه‌ساز نوآوری و پیشرفت در فرآیندها می‌شود.» (m4).

بنابراین مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از داده‌های پژوهش حاضر در خروجی نرم‌افزار MAXQDA 2020 مطابق شکل (۴) می‌باشد.



شکل ۴. خروجی نرم افزار MAXQDA 2020 از مضامین اصلی و فرعی تحقیق

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهد که توانمندسازی جامعه مدنی در پرتو سیاست‌های حکمرانی محلی، فرایندی سلسله‌مراتبی و پویا است که با پیش‌نیازها و ورودی‌های ساختاری آغاز می‌شود. این پیش‌نیازها شامل

سیاست گذاری و چارچوب های قانونی منطقه ای، مدیریت منابع و توسعه زیرساخت های محلی، و تقویت نهادهای مدنی و محلی است که زمینه لازم برای تحقق توانمندسازی را فراهم می آورد. پس از ایجاد این بسترها، فرآیندهای میانجی شامل تعاملات و شبکه سازی بین نهادها و جامعه، آموزش و آگاهی بخشی عمومی و برنامه ریزی و مشارکت محلی، ظرفیت ها و مهارت های لازم برای توانمندسازی را فعال می کنند. این فرایندها در نهایت منجر به پیامدهای ملموس و اثرگذار می شوند که شامل توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی، افزایش عدالت اجتماعی و شفافیت، و توسعه نوآوری و فناوری در سطح محلی است. این چارچوب مفهومی، مسیر منطقی و علی بین ورودی ها، فرآیندها و پیامدها را به شکلی یکپارچه و علمی نمایش می دهد. مدل مفهومی استخراج شده از یافته های پژوهش مطابق شکل (۵) می باشد.



شکل ۵. مدل مفهومی استخراج شده از یافته های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توانمندسازی جامعه مدنی در پرتو سیاست‌های حکمرانی محلی، پدیده‌ای چندبعدی و نهادمند است که تحقق آن مستلزم هم‌افزایی میان چارچوب‌های قانونی، سازوکارهای تعاملی، ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی و نظام‌های مدیریتی محلی است. شبکه مضامین استخراج‌شده حاکی از آن است که سیاست‌گذاری محلی زمانی به توانمندسازی واقعی جامعه مدنی منجر می‌شود که از رویکردهای متمرکز و یکسان‌نگر فاصله گرفته و با تمرکز بر نیازها، ظرفیت‌ها و شرایط بومی، زمینه واگذاری اختیارات، تمرکززدایی و توسعه چارچوب‌های قانونی حمایت‌کننده را فراهم آورد؛ در غیر این صورت، مشارکت جامعه مدنی در سطحی نمادین و ناپایدار باقی خواهد ماند. قضیه معنایی محوری دیگر آن است که تعاملات نهادمند و شبکه‌سازی پایدار، نقش واسط و تسهیل‌گر اساسی در تبدیل سیاست‌های محلی به کنش توانمندساز ایفا می‌کنند. بر اساس شبکه مضامین، ارتباط مستمر و سازمان‌یافته میان نهادهای مدنی، جوامع محلی و ساختارهای حکمرانی، نه تنها موجب تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل می‌شود، بلکه امکان انتقال مطالبات محلی، هماهنگی نهادی و هم‌راستاسازی تصمیم‌ها با واقعیت‌های میدانی را فراهم می‌سازد. در غیاب چنین شبکه‌هایی، سیاست‌های حکمرانی محلی با گسست اجرایی و کاهش اثربخشی مواجه خواهند شد. از منظر اجتماعی - فرهنگی، یافته‌ها دلالت بر این دارد که توانمندسازی جامعه مدنی صرفاً به تقویت ساختارها محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند شکل‌گیری پویایی اجتماعی، نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت، ترویج دموکراسی محلی و تقویت اعتماد عمومی است. شبکه مضامین نشان می‌دهد که حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر، ارتقای همبستگی اجتماعی و افزایش انسجام محلی، بستر لازم برای کنشگری مؤثر جامعه مدنی را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود مشارکت شهروندان از سطح واکنشی به سطح کنشگری فعال و مسئولانه ارتقا یابد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها، شرط لازم برای پایداری توانمندسازی جامعه مدنی در حکمرانی محلی محسوب می‌شود. ایجاد منابع مالی پایدار، بهره‌گیری از تجربیات موفق و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت نهادهای مدنی را فراهم کرده و از وابستگی آن‌ها به حمایت‌های مقطعی جلوگیری می‌کند. این امر به‌طور مستقیم بر کارآمدی، بهره‌وری و استقلال نسبی نهادهای مدنی تأثیرگذار است. در سطح مدیریتی،

شبکه مضامین نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و مدیریت محلی زمانی به توانمندسازی جامعه مدنی می‌انجامد که بر شناخت دقیق نیازها، استعدادها و فرصت‌های اقتصادی محلی استوار باشد و با مشارکت شهروندان و مدیران بومی اجرا شود. چنین رویکردی نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری‌های محلی را بهبود می‌بخشد، بلکه زمینه مدیریت تعارضات، افزایش رضایت عمومی و تقویت حس تعلق اجتماعی را نیز فراهم می‌سازد. در نهایت، قضیه معنایی کلان پژوهش حاکی از آن است که عدالت اجتماعی، شفافیت و بهره‌گیری از نوآوری و فناوری، عناصر پیشران توانمندسازی پایدار جامعه مدنی در حکمرانی محلی به شمار می‌آیند. شفافیت فرآیندها، پاسخگویی نهادها و نظارت جامعه مدنی، اعتماد عمومی را تقویت کرده و امکان مشارکت آگاهانه را افزایش می‌دهد؛ در حالی که توسعه بسترهای فناورانه و حمایت از نوآوری، ظرفیت‌های جدیدی برای تعامل، اطلاع‌رسانی و کنش جمعی در سطح محلی ایجاد می‌کند. بر این اساس، توانمندسازی جامعه مدنی نه نتیجه یک عامل منفرد، بلکه برآیند شبکه‌ای از سیاست‌ها، تعاملات، ساختارها و فرهنگ‌های محلی است که در قالب حکمرانی محلی کارآمد و مشارکت‌محور معنا می‌یابد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و مضمون‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده، می‌توان گفت که همخوانی و همسویی میان نتایج این پژوهش و پیشینه مطالعاتی موجود مشاهده می‌شود. برای مثال، مضمون «تمرکززدایی و تقویت اختیارات جوامع محلی» با نتایج پژوهش‌های امیرآبادی و امینی (۱۴۰۲)، واعظی و وطن‌دوست (۱۴۰۲)، خادمی کوهی و همکاران (۱۴۰۱)، کوزه‌گر و رضائی (۱۳۹۹) و علی‌مرادی و همکاران (۱۳۹۷) همراستا بوده و بر ضرورت واگذاری اختیارات و تقویت ظرفیت تصمیم‌گیری محلی تأکید دارد. همچنین مضمون‌های «شفافیت»، «پاسخگویی»، «ارتقای مشارکت مردمی» و «تقویت نهادهای مدنی» با یافته‌های تبار و همکاران (۱۴۰۳)، شیرعلی (۱۴۰۰) و Yuwono (2016) در رابطه با تأثیر مثبت مشارکت و شفافیت بر مشروعیت و پایداری حکمرانی، همسو هستند. مضمون «تعاملات و شبکه‌سازی» نیز با نتایج پژوهش‌های Katiah و Langmann et al (2023) et al (2017) در خصوص ظرفیت‌سازی مشارکتی و پیوند میان سازمان‌های غیردولتی و جامعه محلی مطابقت دارد. از سوی دیگر، مضمون‌هایی نظیر «نوآوری و فناوری»، «مدیریت منابع و توسعه زیرساخت‌ها» و «آموزش و آگاهی‌بخشی» با تأکید Carmona (2019) و Katiah et al (2017) بر لزوم توانمندسازی فناورانه و دانش‌محور نهادهای محلی،

همخوان است. همچنین، توجه به «عدالت اجتماعی»، «توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر»، و «تقویت همبستگی اجتماعی» در این تحقیق، مکمل یافته‌های فرجی و همکاران (۱۳۹۹) و Uddin (2019) است که بر پر کردن شکاف‌های موجود و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مغفول‌مانده در راستای توسعه پایدار تأکید داشتند.

پیشنهادهای

- با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در این بخش پیشنهادهای ارائه می‌گردد:
- نهادهای سیاست‌گذار محلی و ملی باید فرآیندهای قانون‌گذاری را با تمرکز بر نیازها و شرایط بومی هر منطقه طراحی کنند و از رویکردهای یکسان‌نگر و متمرکز فاصله بگیرند.
 - تمرکززدایی و تفویض اختیار به جوامع محلی باید به‌طور نظام‌مند و مبتنی بر ظرفیت‌های بومی انجام شود تا توانمندسازی جامعه مدنی پایدار و مؤثر باشد.
 - تدوین و توسعه بسترهای قانونی حمایت‌کننده برای ایجاد نهادهای مدنی و برنامه‌های اجتماعی توسعه‌محور، از جمله حمایت‌های مالی و حقوقی بلندمدت، ضروری است.
 - برگزاری منظم رویدادهای محلی، نشست‌ها و همایش‌ها با مشارکت فعال نهادهای مدنی و حکمرانی محلی، نقش کلیدی در تقویت ارتباطات اجتماعی و تبادل تجربیات دارد.
 - ایجاد شبکه‌های واسطه میان جامعه محلی و دولت مرکزی برای انتقال مطالبات، هماهنگی بین نهادها و هم‌راستاسازی تصمیم‌ها با واقعیت‌های میدانی ضروری است.
 - توصیه می‌شود ابزارها و مکانیزم‌های الکترونیکی و دیجیتال برای تقویت تعاملات میان نهادها و تسهیل هماهنگی مورد استفاده قرار گیرد.
 - شناسایی و حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز مشارکت فعال و مسئولانه شهروندان است.
 - نهادهای مدنی باید از طریق کمپین‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، اعتماد عمومی را تقویت کرده و انگیزه مشارکت را افزایش دهند.
 - حمایت‌های مالی، معنوی و آموزشی مستمر از نهادها و انجمن‌های مدنی، کارآمدی و بهره‌وری آن‌ها را افزایش می‌دهد.

- همکاری راهبردی با رسانه‌ها و سازمان‌های اطلاع‌رسانی برای ارتقای سطح آگاهی عمومی و آموزش شهروندان توصیه می‌شود.
- برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای اعضای نهادهای مدنی و مدیران محلی، موجب افزایش مهارت‌ها و توانمندی اجرایی در سطح جامعه می‌شود.
- طراحی و اجرای پروژه‌های محلی باید مبتنی بر شفافیت، ارزیابی مستمر و بازخورد جامعه مدنی باشد.
- به‌کارگیری مدیران بومی و تشویق به مشارکت مستقیم جامعه مدنی در تصمیم‌ها، شفافیت و پاسخگویی را افزایش می‌دهد.
- پایش مستمر عملکرد نهادها و پاسخگویی شفاف به جامعه مدنی، اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و امکان مشارکت آگاهانه شهروندان را فراهم می‌آورد.
- تشویق نهادهای مدنی و ساختارهای حکمرانی محلی به نوآوری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ظرفیت‌های جدیدی برای اطلاع‌رسانی، ارتباطات و کنش جمعی ایجاد می‌کند.

تعارض منافع

در پژوهش حاضر تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

۱. آبیاری، منصور و مسعودنیا، حسین و شهرام‌نیا، امیرمسعود و حاتمی، عباس (۱۳۹۶)، نقش حکومت‌های محلی در فرآیند توسعه سیاسی، مطالعه موردی: ایران، سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۱. [doi: 10.22124/wp.2017.2391](https://doi.org/10.22124/wp.2017.2391)
۲. امیرآبادی، محمد و امینی، سید جواد (۱۴۰۲)، تدوین راهبردهای بهینه سازی حکمرانی امور محلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حکمرانی متعالی، سال ۴، شماره ۱۵. [doi: 20.1001.1.28212614.1403.4.3.1.4](https://doi.org/20.1001.1.28212614.1403.4.3.1.4)
۳. اسدی اوجاق، نادر و حمیدپور رازیان، رسول (۱۴۰۱)، امکان سنجی ظرفیت حقوقی شوراهای اسلامی در اعمال حکمرانی محلی، فصلنامه حکمرانی متعالی، سال ۳، شماره ۱۰.
۴. امینی، علیرضا و یاری، علیرضا (۱۴۰۰)، بسترها و موانع تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، سال ۴، شماره ۴.

۵. حمیدی، فیصل و امینی، علی اکبر و کهرازه، یاسر (۱۴۰۱)، تبیین راهکارهای گسترش جامعه مدنی در ایران، *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی/ایران*، دوره ۵، شماره ۱۱.
۶. خادمی کوهی، مرتضی و ذوالفقاری، سیدمحمد و بیگلری، احمد و خادمی کوهی، روح اله (۱۴۰۱)، توانمندسازی بازوی دولت در حکمرانی متعالی از دید تمرکززدایی و توسعه حکمرانی استانی، *فصلنامه حکمرانی متعالی*، سال ۳، شماره ۱۰. [doi: 10.1001.1.28212614.1401.3.2.4.4](https://doi.org/10.1001.1.28212614.1401.3.2.4.4)
۷. رضاییگی ثانی، راضیه (۱۴۰۲)، *روزنامه همشهری*.
۸. روستا، مجید و سرور، رحیم (۱۳۹۳)، اصول و مبانی توانمندسازی مناطق هدف برای نوسازی شهری و برنامه های بهبود (سکونت گاه های غیررسمی و بافت فرسوده)، *دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری*.
۹. شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۰)، مفهوم شناسی مردمی سازی حکمرانی، *حکمرانی متعالی*، شماره هشتم.
۱۰. علی مرادی، ظهیر شمس، عبدالحمید. جهانگیری، علی. (۱۳۹۷)، طراحی مدل ارزیابی خودگردانی محلی در سطح استان های جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مدیریت دولتی*، دوره ۱۰، شماره ۴. [doi: 10.22059/jipa.2019.261243.2303](https://doi.org/10.22059/jipa.2019.261243.2303)
۱۱. فرجی، سیدجلال الدین و امینی، سیدجواد و جعفری نودر، مرجان و آرش، مجید (۱۳۹۹)، آینده بین المللی سازی کلان شهرهای ایران مبتنی بر رقابت پذیری حکومت های محلی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد*، سال ۲۹، شماره ۹۵.
۱۲. کوشش تبار، محسن و میرقادر، سید امیرحسین و سلیمانی، منصور (۱۴۰۳)، کاوشی در گستره حکمرانی محلی با توجه به توسعه کارآفرینی، *فصلنامه حکمرانی متعالی*، سال ۵، شماره ۱۷.
۱۳. کوزه گر، لطفعلی و رضایی، مصطفی (۱۳۹۹)، رهیافت توسعه؛ تمرکززدایی از حکومت ملی به حکومت محلی، *توسعه پایدار محیط جغرافیایی*، سال ۲، شماره ۳. [doi: 10.52547/sdge.2.3.149](https://doi.org/10.52547/sdge.2.3.149)
۱۴. واعظی، سیدکمال و وطن دوست، علی (۱۴۰۲)، شناسایی و انتخاب مسائل عمومی برای بهبود تصمیمات توسعه ای مدیران محلی مورد مطالعه: مناطق محروم استان اصفهان، *توسعه محلی روستایی - شهری*، دوره ۱۵، شماره ۲. [doi: 10.22059/jrd.2023.361546.668800](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361546.668800)

References

15. Akhmouch, A., & Correia, F. (2016). The 12 OECD principles on water governance When science meets policy. *Utilities Policy*. 43(10): 121-134.
16. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.

17. Blanken, M., Wiebrecht, F., & Gafuri, A. (2025). From Aid to Empowerment: The Impact of Democracy Assistance on Civil Society. *The Journal of Development Studies*, 1-19.
18. Carmona, R. (2019). Empowering cities and citizens within emerging models of multilevel governance. *Ciência & Trópico*.
19. Cohen, J. (1960). A coefficient of agreement for nominal scales. *Educational and psychological measurement*, 20(1), 37-46.
20. Dushkova, D., & Ivlieva, O. (2024). Empowering communities to act for a change: A review of the community empowerment programs towards sustainability and resilience. *Sustainability*, 16(19), 8700.
21. Dekker, P. (2021). Review of the book Civil society. Between concepts and empirical grounds, Egholm, L. & Kaspersen, LB (eds.), 2021. *Voluntas*, 32(5), 1182-1183.
22. Katiah, K., Subekti, S., Supriyono, S., & Nawawi, I. (2017). Massive Change: Reinforce the Role of People's Empowerment Through Local Potency.
23. Kamruzzaman, P., & White, S. (2018). Empowerment and Community Participation. *The International Encyclopedia of Anthropology*.
24. Kruahong, S., Tankumpuan, T., Kelly, K., Davidson, P. M., & Kuntajak, P. (2023). Community empowerment: A concept analysis. *Journal of advanced nursing*, 79(8), 2845-2859.
25. Leal Filho, W., Marisa Azul, A., Brandli, L., Lange Salvia, A., Ozuyar, P. G., & Wall, T. (Eds). (2021). Peace, Justice and Strong Institutions. Cham: *Springer International Publishing*.
26. Langmann, S., Bezemer, P., & Pick, D. (2023). Local community capacity building: exploring non-governmental organizations approaches in Tamil Nadu. *Community Development Journal*.
27. Llorente-Alonso, M., García-Ael, C., & Topa, G. (2024). A meta-analysis of psychological empowerment: Antecedents, organizational outcomes, and moderating variables. *Current Psychology*, 43(2), 1759-1784.
28. McHugh, M. L. (2012). Interrater reliability: the kappa statistic. *Biochemia medica*, 22(3), 276-282.
29. Pudjono, A. N. S., Wibisono, D., & Fatima, I. (2025). Advancing local governance: a systematic review of performance management systems. *Cogent Business & Management*, 12(1), 2442545.
30. Setiawan, A., Tjiptoherijanto, P., Mahi, B. R., & Khoirunurrofik, K. (2022). The impact of local government capacity on public service delivery: Lessons learned from decentralized Indonesia. *Economies*, 10(12), 323.
31. Salvador, M., & Sancho, D. (2023). Local governments facing turbulence: robust governance and institutional capacities. *Social Sciences*, 12(8), 462.
32. Sander, A. (2023). Rethinking shrinking civic space in the Global Souths—how development donors contribute to the restriction of civil society in Jordan. *Democratization*, 30(1), 22-39.
33. Uddin, N. (2019). Empowerment through participation in local governance: the case of Union Parishad in Bangladesh. *Public Administration and Policy*.
34. Walton, O., & Aslam, W. (2024). Challenging and reinforcing the status quo: Services, civil society and conflict in the MENA region. *World Development*, 181, 106685.
35. Yuwono, T. (2016). Local Good Governance Sustainability: Roles of Civil Society in Surakarta City, Indonesia. *Jurnal Studi Pemerintahan: Journal of Government and Politics*, 7, 266-287.

36. Yi, Chengzhi, and Xinyi Qiu. "From local government to local governance: A systematic literature review and future research agenda." *Australian Journal of Public Administration* 84, no. 1 (2025): 102-124.
37. Zhao, B., Cheng, S., Schiff, K. J., & Kim, Y. (2023). Digital transparency and citizen participation: Evidence from the online crowdsourcing platform of the City of Sacramento. *Government Information Quarterly*, 40(4), 101868.

References In Persian

1. Abiar, M., Masoudnia, H., Shahramnia, A., & Hatami, A. (2017). The role of local governments in the political development process: A case study of Iran. *World Politics*, 6(1). doi: [10.22124/wp.2017.2391](https://doi.org/10.22124/wp.2017.2391)
2. Amirabadi, M., & Amini, S. J. (2023). Developing strategies to optimize local governance in the Islamic Republic of Iran. *Transcendent Governance Quarterly*, 4(15). doi: [20.1001.1.28212614.1403.4.3.1.4](https://doi.org/20.1001.1.28212614.1403.4.3.1.4)
3. Asadi Ojaq, N., & Hamidpour Razian, R. (2022). Feasibility study of the legal capacity of Islamic councils in implementing local governance. *Transcendent Governance Quarterly*, 3(10).
4. Amini, A., & Yari, A. (2021). Contexts and obstacles to the realization of civil society in the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Political Sociology*, 4(4).
5. Ali Moradi, Z. (2018). Designing a local self-governance evaluation model at the provincial level in the Islamic Republic of Iran. *Public Administration Quarterly*, 10(4). doi: [10.22059/jipa.2019.261243.2303](https://doi.org/10.22059/jipa.2019.261243.2303)
6. Faraji, S. J.-D., Amini, S. J., Jafari Nozar, M., & Arash, M. (2020). The future of internationalization of Iranian metropolises based on the competitiveness of local governments in the Islamic Republic of Iran. *Rahbord Quarterly*, 29(95).
7. Hamidi, F., Amini, A. A., & Kehraneh, Y. (2022). Explaining strategies for expanding civil society in Iran. *Iranian Journal of Political Sociology*, 5(11).
8. Khademi-Kouhi, M., Zolfaghari, S. M., Biglari, A., & Khademi-Kouhi, R. (2022). Empowering the governmental arm in transcendent governance from the perspective of decentralization and provincial governance development. *Transcendent Governance Quarterly*, 3(10). doi: [20.1001.1.28212614.1401.3.2.4.4](https://doi.org/20.1001.1.28212614.1401.3.2.4.4)
9. Koosheshtabar, M., Mirghadri, S. A., & Soleimani, M. (2024). Exploring the scope of local governance with regard to entrepreneurial development. *Transcendent Governance Quarterly*, 5(17).
10. Koozegar, L., & Rezaei, M. (2020). Development approach: Decentralization from national to local governance. *Sustainable Geographic Environment*, 2(3). doi: [10.52547/sdge.2.3.149](https://doi.org/10.52547/sdge.2.3.149)
11. Rezabeigi, R. (2023). *Hamshahri Newspaper*.
12. Roosta, M., & Sarvar, R. (2014). Principles and fundamentals of empowering target areas for urban renewal and improvement programs (informal settlements and worn-out textures). *Islamic Azad University, Shahr-e Rey*.
13. Shirali, E. (2021). Conceptualizing the popularization of governance. *Transcendent Governance*, 8.

14. Vaezi, S. K., & Vatandoost, A. (2023). Identifying and selecting public issues to improve developmental decisions of local managers: A case study of deprived areas in Isfahan Province. *Rural-Urban Local Development*, 15(2).[doi: 10.22059/jrd.2023.361546.668800](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.361546.668800)

آماده انتشار

استناد به این مقاله: نام خانوادگی نویسنده اول، نام. (سال). عنوان مقاله. عنوان نشریه (ایتالیک)، سال (شماره)، ص آغاز-ص پایان.



Journal of Studies in Public Service Administration is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.